

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ!

### آگاهی سیاسی، قطب‌نمای طرح استراتژی‌ها، برنامه‌ها و هدف‌ها

(ترجمه)

سیاست هنری می‌باشد که در دایرهٔ ممکن قرار دارد و آن‌چه ممکن را تشخیص می‌نماید، آگاهی از امکانات و توانایی‌های خود و دشمن است. بدون قاطعیت، استقامت و شجاعت، ترس انسان را احاطه کرده، سردرگمی و دل‌هره‌گی، آن را به قتل می‌رساند که در این صورت، انسان از انجام هیچ کاری بر نخواهد آمد! بلکه حتی محافظت از توانایی‌ها و امکانات موجوده نیز مقدور نخواهد بود، انرژی‌ها پراکنده، محو و تارومار می‌شوند. اما دنیای ناممکنات جای خیال‌پردازان و جاهلین بوده، دنیای کسانی که دچار توهم و بی‌پروایی می‌باشند.

بنابراین، آگاهی، شمشیر و قطب‌نمای سیاست بوده و سیاست بدون آگاهی سیاستی به شمار نرفته و ممکن نخواهد بود. آگاهی، استراتژی‌ها، برنامه‌ها و اسالیب را سمت و سوی می‌دهد. این آگاهی است که با توجه به شرایط بین‌المللی و منطقه‌ای و با توجه به امکان دستیابی اهداف مورد نظر؛ مانند: شکار فرصت‌ها و تعادل بین حذر از دام‌های پهن‌شده از یک طرف و بین اقدامات مورد نیاز با بهره‌برداری مناسب از امکانات و توانائی‌های فراهم شده از طرف دیگر، اهداف مختلف و متنوع را مقدم و مؤخر می‌سازد. بهترین نمونه در این مورد تأخیر رسول الله صلی الله علیه و سلم برای فتح مکه می‌باشد. رسول الله صلی الله علیه و سلم مکه را پس از آن فتح کردند که آن را ذریعۀ صلح حدیبیه منزوی و یک‌سو نهادند، تا از خیبر فارغ شوند؛ سپس زمانی اقدام به فتح مکه نمودند که از سوی خیبر در امان بوده و به بزرگ‌ترین هدف خود رسیدند، فتح مکه به معنای دستیابی به تمام شبه جزیرهٔ عربی و تحت فرمان و سلطۀ خود در آوردن این شبه جزیره می‌باشد. درحالی‌که در ابتداء این هدف غیرممکن بود، اعراب معتقد بودند که این رویایی است که نمی‌توان به سادگی در مورد آن اندیشید؛ اما رسول الله صلی الله علیه و سلم از آن جایی که از آگاهی بالایی در این زمینه برخوردار بودند، رسیدن به این هدف را برای خود مقدور ساختند. لذا آن‌چه در حوزهٔ سیاسی غیرممکن پنداشته می‌شود، خصوصیتی نیست که هرگز در سیاست محقق نشود؛ بلکه آن‌چه که مهم است، فراهم آوردن اسباب دستیابی به غیرممکن و تلاش همه‌جانبه برای افزایش انرژی و توان‌مندی‌ها در همه سطوح، برای دستیابی به آن‌چه امروزه ناممکن پنداشته می‌شود، می‌باشد. این‌گونه بود که مسلمانان شام را فتح کردند، رومی‌ها را شکست دادند، فارس را فتح و لشکریان فارس را در سرزمین خودشان شکست دادند، به این دلیل محمد فاتح قسطنطنیه را فتح و آن را به پایتخت امپراتوری عثمانی تبدیل کرد.

آن‌چه مسلمانان را در این خصوص متمایز می‌کند، این است که آن‌ها با توکل به الله سبحانه و تعالی اهداف والایی را برگزیده و آن‌ها را دنبال می‌کنند، در بدل تلاش‌های‌شان چشم به انتظار چیزی می‌باشند که نزد الله سبحانه و تعالی برای‌شان وعده داده شده است، امری که در این میدان مبارزه را برای‌شان ساده ساخته و هدف را برای‌شان مقدس می‌سازد؛ زیرا آن‌ها بدون هیچ تردیدی نصرت الله سبحانه و تعالی را باخود دارند؛ بنابراین، از شجاعت و اقدام، چیزی کم ندارند. الله سبحانه و تعالی در سورهٔ محمد صلی الله علیه و سلم چنین می‌فرماید:

﴿ذٰلِكَ بِاَنَّ اللّٰهَ مَوْلٰى الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا وَّ اَنَّ الْكٰفِرِیْنَ لَا مَوْلٰى لَهُمْ﴾

**ترجمه:** این بدان خاطر است که الله سبحانه و تعالی سرپرست و یاور مؤمنان است و لیکن کافران هیچ‌گونه سرپرست و یابوری ندارد.

اما مشکلی که امروز مسلمانان با آن مواجه می‌باشند، در قدم اول عدم آگاهی آن‌ها از توانایی‌های فکری و مادی‌شان می‌باشد. از توانایی‌ها، دارایی‌ها و امکاناتی که در همه سطوح از آن برخوردارند. این دلیلی است که از نظرشان ممکن به غیرممکن و غیرممکن به ممکن تبدیل شده است! فهم و درک‌ها مختل و سردرگم شده‌اند، تاجایی که مسلمانان نمی‌توانند دوست را از دشمن و دشمن را از دوست تفکیک کنند؛ درحالی که این امر به ساده‌ترین نوع فهم و درک نیاز دارد، به این دلیل است که این قوم باهم جنگیده و به تباهی کشیده می‌شوند! کار به جای رسیده است که دشمنان همان‌طوری که دوست دارند، ما را از طریق حکام مسلط بر ما و ذریعه نظام‌های تقسیم‌شده‌ای حاکم بر ما و از طریق مرزهای استعماری که بالای سرزمین‌های اسلامی و سپس در اذهان مسلمانان حک شده است، بازی چه قرار می‌دهند.

به این دلیل عامل عزم و شجاعت که ممیزه مسلمانان می‌باشد، در جای خود قرار نگرفته و در هر جای به شمشیری علیه امت تبدیل شده است. وضعیت مسلمانان در لیبی، سوریه، عراق، افغانستان، یمن... بهترین گواه در این خصوص است.

آگاهی سیاسی امت از زمان درهم کنده شدن ریسمان و سلسله دولت، ضعیف شده، چیزی که منجر به در هم کنده شدن ریسمان‌های دیگر شده است. بلی، رسول الله صلی الله علیه و سلم به حق که راست گفت، زمانی که به روایت امام احمد در مسندش، طبرانی در معجم کبیر، ابن حبان در صحیح‌اش با اسناد جید از ابی امامة الباهلی، چنین فرمودند:

«لِيُنْقِضَنَّ عَرَى الْإِسْلَامِ عُرْوَةَ عُرْوَةً، فَكُلَّمَا انْتَقَصَتْ عُرْوَةٌ تَشَبَّثَ النَّاسُ بِالتِّي تَلِيهَا، وَأَوْلَاهُنَّ نَقْضًا الْحُكْمَ وَأَخْرَهُنَّ الصَّلَاةَ»

**ترجمه:** ریسمان‌های اسلام یکی پس از دیگری کنده می‌شوند؛ هرگاه یکی کنده شود مردم به ریسمان دیگری چنگ می‌زنند، اولین ریسمانی که از آن‌ها کنده خواهد شد، دولت (حاکمیت اسلام) و آخرین آن‌ها نماز است.

بنابراین، لازم است بدانیم که دلیل اصلی ضعف درک و فهم و گمراهی که در بین مسلمانان شیوع یافته است، ناشی از عدم وجود دولت اسلامی، تفرقه و پارچه پارچه شدن آن‌ها به بیش از 55 دولت کوچک می‌باشد؛ پس از این که همه زیر پرچم یک دولت واحد قرار داشته، قانون اساسی واحد داشتند و جدا از دیگران امت واحدی بودند، اردوی‌شان یکی، خلیفه‌شان یکی بود؛ این موضوع مبنای درک سیاسی امت محمد صلی الله علیه و سلم است؛ خلفاء کسانی‌اند که رسول الله صلی الله علیه وسلم را در میان امت‌اش جانشینی کرده و شریعت‌اش را تطبیق می‌کنند. بلی، این‌گونه درک راه حل مشکلات ارثی پدیدار می‌شود و نقطه آغازی برای اصلاح امور و تفاهم‌ها است. از ابوهریره روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم چنین می‌فرماید:

«كَانَتْ بَنُو إِسْرَائِيلَ تَسُوسُهُمُ الْأَنْبِيَاءُ، كُلَّمَا هَلَكَ نَبِيٌّ خَلَفَهُ نَبِيٌّ، وَإِنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي، وَسَيَكُونُ بَعْدِي خُلَفَاءُ فَيَكْتُرُونَ»،  
قالوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَمَا نَأْمُرُنَا؟ قَالَ: «أَوْفُوا بِبَيْعَةِ الْأَوَّلِ فَالْأَوَّلِ، ثُمَّ أَعْطَوْهُمْ حَقَّهُمْ، وَاسْأَلُوا اللَّهَ الَّذِي لَكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ سَأَلَهُمْ عَمَّا اسْتَرَعَاهُمْ» (متفق عليه)

**ترجمه:** انبیاء، رهبری بنی اسرائیل را برعهده داشتند و هرگاه پیامبری فوت می کرد، پیامبر دیگری جانشین او می گردید؛ اما بعد از من پیامبری نیست و جانشینانی بعد از من خواهند آمد و زیاد می شوند. اصحاب گفتند: به ما چه دستوری می دهی؟ فرمودند: به بیعت اول وفا نمایید؛ سپس حق ایشان را به جای آورید و حق خود را از الله (سبحانه و تعالی) مسألت کنید؛ زیرا الله (سبحانه و تعالی) از آن چه که به ایشان سپرده از آنان سؤال خواهد نمود.

بنابراین، مسلمانان باید بدانند که امورشان زمانی درست و مشکلاتشان زمانی حل می شود که برای از سرگیری دوباره زندگی اسلامی با تأسیس دولت اسلامی، بیعت به خلیفه ای که شریعت الله سبحانه و تعالی را تطبیق، دولت های سایکس پیکو را منهدم ساخته، مسلمانان را وحدت بخشیده و زیر چتر دولتی که برای آنها و دیگر جهانیان عزت و رحمت است، دارایی ها، توانایی ها، درک و فهم و دل های شان را یک جا سازد، تلاش نمایند. ای مسلمانان! حزب التحریر با جوان عرب، کرد، ترک و عجم زن و مرد... برای محقق شدن این هدف شب و روز تلاش می کنند، ای مسلمانان! ناگزیر باید نسبت به خود، امت و دین خود از الله سبحانه بترسید، برای نصرت دین الله سبحانه و تعالی از هیچ تلاشی دریغ ننمایید؛ چنان چه الله سبحانه و تعالی در سوره محمد صلی الله علیه و سلم چنین می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾

**ترجمه:** ای مؤمنان اگر (دین) الله را یاری کنید، الله (سبحانه و تعالی) شما را یاری می کند و گام های تان را استوار می دارد.

نویسنده: فرج ممدوح

27 ذی القعدة 1441 ه.ق.

18 جولای 2020 م.

مترجم: علی مطمئن